

سرستون‌های نگاره‌دار دوره ساسانی در طاق‌بستان

یوسف مرادی

مقدمه

در پارک موزه طاق‌بستان دوازده سرستون دوره ساسانی وجود دارد که از جاهای مختلف استان کرمانشاه جمع‌آوری و جهت نگهداری به این محوطه منتقل شده‌اند. سرستون شماره ۱ به‌طور اتفاقی در سال ۱۳۷۲ش از داخل رودخانه آبشوران (Abshuran) پیدا شده است. سرستون شماره ۲ نیز در پاییز سال ۱۳۷۸ش به هنگام تخریب یکی از خانه‌های قدیمی در زیر پاسگاه انتظامی خیابان مدرس در کرمانشاه به‌دست آمده که متأسفانه نسبت به سایر سرستون‌ها آسیب بیشتری دیده و در دوران متأخر اسلامی با ایجاد حفره‌ای در سطح فوقانی آن، از این سرستون به‌عنوان حوضچه استفاده کرده‌اند. سرستون‌های شماره ۳ تا ۵ و ۱۰ توسط هیئت باستان‌شناختی آلمانی از محوطه تاریخی بیستون، شناسایی و در سال ۱۹۶۷ میلادی به این محل انتقال داده شده‌اند.^۱ هرچند سرستون‌های شماره ۶، ۷، ۱۱ و ۱۲ تا قبل از انتقال به طاق‌بستان در مسجد جامع کرمانشاه نگهداری می‌شدند^۲، لیکن محل اولیه کشف آنها مشخص نیست.

سرستون شماره ۸ از روستای قلعه کهنه^۳ (Qaleh Kohnah) و سرستون شماره ۹ از روستای وندرنی سفلی^۴ (Venderni-ye Sofla) پیدا شده که در سال ۱۳۴۴ش به طاق‌بستان انتقال



داده شده است. در این روستا بخشی از سرستون دیگری وجود دارد که کاملاً شبیه سرستون شماره ۹ می‌باشد.^۵ اهالی وندرنی امروز به این سرستون به‌عنوان سنگ مقدسی می‌نگرند. در میان سرستون‌های مذکور، سرستون‌های شماره ۱ تا ۶ دارای نقوش انسانی و گیاهی هستند ولی سرستون‌های شماره ۷ تا ۹ تنها به وسیله نقوش گیاهی تزئین شده‌اند. سرستون‌های شماره ۱۰ تا ۱۲ در اصل دارای نگاره بوده اما در دوره اسلامی به خاطر بهره‌گیری آنها در بناها، نقوش روی سرستون را محو کرده‌اند.

در این مقاله فقط در مورد سرستون‌ها با نقوش انسانی بحث خواهد شد.

پیشینه پژوهش

سال‌هاست که محققین و باستان‌شناسان به اظهار نظر و بحث درباره سرستون‌های طاق‌بستان مشغولند. از پیشگامان آن، پژوهشگران، اوژن فلاندن و دموورگان هستند. فلاندن از نخستین کسانی بود که در سال ۱۸۴۰ میلادی با معرفی و ترسیم طرح‌هایی از سرستون‌های مکشوفه از بیستون^۶، توجه هیئت باستان‌شناختی آلمانی را جهت کاوش آن محوطه جلب کرد.^۷ پس از او دموورگان نیز ضمن اختصاص چند سطر به این سرستون‌ها، موفق به ترسیم برخی از سرستون‌های شناسایی شده از بیستون شده است.

شاید نخستین پژوهش علمی در مورد این سرستون‌ها مربوط به تحقیقات ارنست هرتسفلد در سال ۱۹۱۰ میلادی است؛ وی نیم‌تنه شاه، حجاری شده در سطح (A) سرستون‌های شناسایی شده از بیستون را به خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰ م) و نیم‌تنه ایزد، نقش شده در سطح دیگر سرستون (B) را به الهه آناهیتا نسبت داده است. اساس اعتقاد هرتسفلد که طرفداران زیادی هم دارد، متکی بر نوشته‌های مورخین ایرانی و عرب، مقایسه تاج شاه نقش شده در صحنه تاج ستانی ایوان بزرگ طاق‌بستان و نیم‌تنه روی سرستون‌ها با تاج روی سکه‌های خسرو دوم و همچنین مقایسه پیکره او در ایوان بزرگ طاق‌بستان و سرستون‌های مورد بحث با نیم‌تنه او روی سرستون اصفهان است.^۸ چندی بعد در سال ۱۹۴۳ م کورت اردمن برخلاف عقیده هرتسفلد استنباط کرد نیم‌تنه شاه حجاری شده بر روی این سرستون‌ها از آن پیروز یکم (۴۵۹-۴۴۸ م) و نیم‌تنه ایزدان نقش شده



در سطح دیگر سرستون‌ها از آن الهه آناهیتا است. به نظر اردمن تنها روش درست برای تاریخ‌گذاری ایوان بزرگ طاق‌بستان و به تبع سرستون‌های شناسایی شده از بیستون، مقایسه تاج شاه بر روی سکه‌ها است. او با مقایسه تاج شاه با تاج نوع III پیروز یکم نتیجه می‌گیرد نیم‌تنه حجاری شده بر روی سرستون‌ها و همچنین ایوان بزرگ طاق‌بستان متعلق به پیروز یکم است. مسئله دیگری که این فکر را در ذهن او تقویت نمود، پیکره آناهیتا در حال آبریزان بود که باعث شد او تصور کند این نقش با خشکسالی زمان پیروز در ارتباط است.^۹

با این حال هینز لوشای در سال ۱۹۶۳ میلادی با استناد به مقاله هرتسفلد، مطالبی در مورد این سرستون‌ها نگاشته به این ترتیب که نیم‌تنه شاه را به خسرو دوم و نیم‌تنه ایزدان حجاری شده را به الهه آناهیتا نسبت داده است. وی همچنین سرستون‌های شماره ۶ تا ۱۲ را نیز معرفی می‌نماید.^{۱۰} پس از او ولفرام کلایس^{۱۱} و کارول بیر^{۱۲} موافق با نظر هرتسفلد به معرفی این سرستون‌ها پرداخته‌اند.

نکته شایان توجه در میان این پژوهشگران، تأکیدی است که در مورد هویت نیم‌تنه ایزد حجاری شده در یکی از سطوح این سرستون‌ها به عنوان الهه آناهیتا شده است اما دیری نپایید که فون‌گال در مطالعه‌ای گذرا نظر جدیدی درباره سرستون‌های شناسایی شده از بیستون مطرح کرد که سال‌ها موضوع بحث بود. به نظر او نیم‌تنه حجاری شده در سرستون شماره ۳ از آن ایزد بهرام و نیم‌تنه‌های نقش شده بر روی سرستون‌های شماره ۴ و ۵ به ترتیب از آن اهورامزدا و آناهیتا^{۱۳} است.

نگارنده نیز بر آن است تا ضمن معرفی نیم‌تنه ایزدان حجاری شده در سطح سرستون‌های نویافته شماره ۱ و ۲، در پرتو کشفیات تازه، مدارک دیگری جهت تأیید نظریه فون‌گال ارائه دهد. همچنین در این مقاله سعی شده هویت واقعی نیم‌تنه‌های حجاری شده در سطح سرستون شماره ۶ که تاکنون کسی بدان توجه نکرده است، مشخص شود.



توصیف سرستون‌ها

هریک از سرستون‌های مورد بحث به شکل هرم مربع‌القاعده معکوسی است به ارتفاع متوسط ۶۴ تا ۹۶ سانتی‌متر که از بخش‌های زیر تشکیل شده است:

گیلویی که امتداد طول و عرض ساقه ستون را تشکیل می‌دهد. بر روی این بخش شالی قرار دارد که قسمت اصلی سرستون به شکل هرم مربع‌القاعده معکوسی بر روی آن قرار گرفته است. همچنین بر روی این هرم، لوح مربعی وجود دارد. سطوح چهارگانه این سرستون‌ها به وسیله نقوش گیاهی و نیم‌تنه‌های انسانی تزئین شده است. به این ترتیب که بر روی سطح (A) سرستون‌ها، نیم‌تنه خسرو دوم با صورتی سه ربعی و بدنی تمام رخ نقش شده است. شاه تاج کنگره‌داری بر سر دارد که پایه آن با دو رشته مهره مدور تزئین شده است. بر فراز تاج، دو بال پرنده (عقاب) قرار دارد که نوک آنها به طرف داخل خم شده است. در حد فاصل دو بال بر روی میله‌ای عمودی که یک پایون و دو رشته روبان افراشته متصل است، هلالی قرار دارد. در داخل هلال نیز صفحه مدوری با نقش گل بر روی آن دیده می‌شود. به پشت تاج دو رشته روبان افراشته متصل است و به دور سر هاله‌ای نقش شده است. شاه پیراهن مرواریددوزی شده‌ای بر تن دارد که به وسیله پلاک‌های دایره‌ای تزئین شده است. در مرکز هر پلاک مهره مدوری قرار گرفته که به آن، مهره دیگری به وسیله بندی آویخته شده است.

در تمام این سرستون‌ها، خسرو دوم دست چپ را بر روی قبضه شمشیر قرار داده و دست راست را به طرف نیم‌تنه ایزد حجاری شده در سطح دیگر (B) سرستون دراز کرده است که هدف مقاله حاضر نیز شناسایی هویت واقعی این ایزدان است.

سرستون شماره ۱

در سطح B این سرستون مردی با صورتی سه ربعی و بدنی تمام‌رخ نقش شده (تصویر ۱) که دارای صورتی فربه، چشمانی درشت، ابروانی کمانی و لب‌هایی پهن است، سیل او موج و تا آن سوی گونه‌ها ادامه یافته است. ریش او مجعد و به وسیله خطوط موازی نشان داده شده است.



گردنبند او شامل دو ردیف مهره‌های مدور و پلاکی نیم‌دایره در جلو سینه است که سه مهره مدور درشت به آن آویخته است.

این شخص کلاه‌خودی زنجیرباف به سر دارد که تمام سر و گردن او را پوشانده، به‌طوری‌که فقط قرص صورتش دیده می‌شود. بر روی این کلاه‌خود تاجی قرار دارد. پایه تاج با نواری تزئین شده که شامل دو ردیف مهره‌های مدور و پلاک‌های مربع است. این نوار در پشت سر با پایونی به هم بسته شده و دو روبان افراشته به آن متصل است.

موهای سر در بالای تاج به‌صورت انبوه ولی بدون پوشش رها شده و در قسمت پایین با یک پایون و دو رشته روبان کوتاه بسته شده‌اند. بر گرد سر او هاله‌ای نقش شده و بر روی شانتهایش گوی مدور بزرگی قرار دارد.

این شخص پیراهن تنگ و چسبان مرواریددوزی شده‌ای بر تن دارد که روی آن زرهی آستین کوتاه پوشیده است. قسمت بالاتنه زره دارای تیغه‌های عمودی و قسمت پایین‌تنه به‌صورت زنجیرباف می‌باشد. همچنین بر روی زره، شل نازک جلویازی بر تن دارد که قسمت سینه و بازوان را می‌پوشاند. جلوی شل به‌وسیله دکمه‌ای جواهرنشان بسته شده است. این شخص دست چپ را بر روی سینه گذاشته و انگشت‌های شصت و اشاره را بر روی هم قرار داده و دست راست را به طرف خسرو دوم دراز کرده است.

نوع کلاه‌خود، زره و لباس رزمی که این نیم‌تنه پوشیده، نشان می‌دهد که نیم‌تنه مذکور احتمالاً تصویر بهرام، ایزد فتح و پیروزی است. زیرا در کرده یکم و ششم بهرام یش، این ایزد به شکل مردی با چهره درخشان و چشمانی روشن معرفی شده که در میان ایزدان به بهترین سلاح، مسلح است.^{۱۴}

در کرده دهم این یش نیز چنین آمده است: «به سوی او دهمین بار بهرام اهورا آفریده در کالبد مرد شکوهمند، زیبا مزدا آفریده‌ای درآمد که یک دشنه زرکوب منقش با انواع زینت‌ها دربرداشت این چنین بهرام درآمد».^{۱۵} همچنین در اکثر کرده‌های بهرام یش به‌ویژه کرده بیست و یکم، بهرام را ایزد جنگ معرفی کرده و مرتب از پیروزی‌های او یاد شده است.^{۱۶}

این عبارت‌ها روشن‌گر بسیاری از قسمت‌های نیم‌تنه مورد بحث است که به‌نظر می‌آید هنرمند دوره ساسانی با آگاهی از متن بهرام‌یشت، نیم‌تنه او را بر روی این سرستون حجاری کرده است. علاوه بر متون مذهبی، مدارک دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه این نیم‌تنه، متعلق به ایزد بهرام است. از جمله این مدارک نوع تاجی است که این ایزد بر سر دارد. همان‌گونه که شاهان ساسانی تاج مخصوص خود را داشتند هریک از ایزدان زرتشتی نیز دارای تاجی متمایز با یکدیگر بودند. به‌عنوان مثال در نقش برجسته‌های ساسانی، اهورامزدا دارای تاج کنگره‌دار است که در بالای آن موهای سر به‌صورت انبوه و بدون پوشش رها شده است. آناهیتا نیز دارای چند نوع تاج بوده است. برخی از آنها مانند نقش برجسته تاج ستانی نرسه در نقش رستم و یا نقش روی سرستون شماره ۵ پارک موزه طاق‌بستان به‌صورت کنگره‌دار است ولی در صحنه تاج‌ستانی خسرو دوم در ایوان بزرگ طاق‌بستان، آناهیتا دارای تاجی است که پایه آن با نقش پالمتهایی تزئین شده است.

تاجی که ایزد نقش شده در این سرستون بر سر دارد متفاوت با تاج سایر ایزدان است. در حقیقت مشابهت‌ها و یکسانی‌هایی که تاج او با تاج ایزد بهرام در سرستون اصفهان و سکه‌های معروف به خسرو-بهرام دارد^{۱۷}، تردیدی باقی نمی‌گذارد که وی کسی جز ایزد بهرام نیست.



تصویر ۱- نیم‌تنه ایزد بهرام در سرستون نویافته شماره ۱



سرستون شماره ۲

در سطح (B) این سرستون نیز نیم‌تنه‌ای با بدن تمام‌رخ نقش شده که متأسفانه به علت آسیب‌دیدگی زیاد جزئیات صورت او مشخص نیست. (تصویر ۲) موهای سر این شخص، مجعد و به صورت انبوه بر روی شانه‌هایش آویخته است. گردنبند او شامل دو ردیف مهره‌های مدور با پلاکی در جلو سینه است که سه مهره مدور درشت به آن آویزان است. تاج او از بین رفته و تنها روبان‌های افراشته به آن باقی‌مانده است. در بالای تاج، موهای سر به صورت انبوه و بدون پوشش رها شده است. به قسمت پایین موهای بالای سر، دو رشته روبان افراشته متصل است، همچنین بر گرد سرش نیز هاله‌ای دیده می‌شود.

این شخص پیراهن چسبانی پوشیده و روی پیراهن نیز شل جلوبازی بر تن دارد که قسمت سینه و بازوان را پوشانده است. جلو شل با دکمه‌ای جواهرنشان بسته شده است. او دست چپ را بر روی سینه گذاشته و انگشت‌های شصت و اشاره را بر روی هم قرار داده است. در دست راست او که به طرف شاه دراز کرده حلقه روبان‌داری دیده می‌شود که روبان‌های آن به طرف بالا افراشته است. متأسفانه به علت تخریب صورت و تاج به راحتی نمی‌توان درباره هویت واقعی او اظهار نظر کرد. مع‌هذا مدارک معدودی وجود دارد که نشان می‌دهد این نیم‌تنه لزوماً با الهه آناهیتا ارتباط ندارد بلکه نقش یک ایزد مرد است. از جمله این مدارک نوع تاج، لباس و کمر بند مخصوصی است که هریک از ایزدان استفاده می‌کنند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ایزدان نقش شده بر روی سرستون‌های نگهداری شده در این محوطه، از نظر نوع تاج و لباس شبیه ایزدان حجاری شده در صحنه تاج‌ستانی ایوان بزرگ طاق‌بستان می‌باشند. در همه سرستون‌ها و صحنه تاج‌ستانی ایوان بزرگ، ایزدان مرد دارای کمر بند بوده ولی الهه آناهیتا فاقد کمر بند است. همچنین شنلی که بر تن این پیکره دیده می‌شود از نوع شل‌های مردانه‌ای است که ایزد بهرام در سرستون شماره ۱، سرستون‌های اصفهان و برخی از سرستون‌های پارک موزه طاق‌بستان و سکه‌های معروف به خسرو- بهرام پوشیده است. حتی اهورامزدا نیز در صحنه تاج‌ستانی ایوان بزرگ طاق‌بستان شنلی تقریباً شبیه آن بر تن کرده است. اگرچه اهورامزدا نیز دارای چنین لباس و کمربندی است ولی به نظر می‌رسد این نیم‌تنه متعلق به ایزد بهرام است. زیرا تاج اهورامزدا از نوع



تاج‌های کنگره‌دار است ولی با توجه به قسمت‌های باقی‌مانده، تاج این نیم‌تنه فاقد کنگره بوده و از نظر شکل شبیه تاج ایزد بهرام در سرستون‌های شماره ۱ و ۳ پارک موزه طاق‌بستان، سرستون اصفهان و سکه‌های معروف به خسرو- بهرام می‌باشد. همچنین در نیم‌تنه ایزد بهرام روی سرستون‌ها، روبان‌های حلقه سلطنتی به نشانه فتح و پیروزی به طرف بالا برافراشته که در حالی که روبان‌های حلقه اهورامزدا و حتی آنها هم روی سرستون‌ها و هم در صحنه تاج‌ستانی ایوان بزرگ به طرف پایین آویزان است. بنابراین با توجه به بحث‌های بالا، نیم‌تنه ایزد نقش شده روی سرستون نویافته شماره ۲ نیز متعلق به بهرام، ایزد فتح و پیروزی است.

با توجه به بحث‌های مطرح شده اگر شناسایی ما از سرستون نویافته شماره ۲ صحیح باشد آنگاه به راحتی قابل نتیجه‌گیری است که نیم‌تنه ایزد حجاری شده بر روی سرستون شماره ۶ پارک موزه طاق‌بستان از آن بهرام است (تصویر ۶) سه وجه این سرستون با نقوش بته‌ای شکل تزئین شده ولی نقوش سطح دیگر (B) آن تقریباً محو شده است. عناصر باقی‌مانده نشان می‌دهد در دو سطح (A و B) این سرستون همانند سرستون‌های دیگر، نیم‌تنه‌های انسانی حجاری شده که متأسفانه به علت بهره‌گیری آن در بناهای اسلامی، نقش نیم‌تنه‌ها را محو کرده‌اند به این ترتیب سطحی (A) که روی آن، نیم‌تنه شاه ساسانی حجاری شده به تقلید از سطوح دیگر مجدداً با نقوش بته‌ای شکل تزئین شده‌اند. تنها از نقوش این سطح روبان‌هایی افراشته به سر شاه و همچنین دو گل شکفته در دو طرف صورت او بر جای مانده، ولی تصویر ایزد حجاری شده بر سطح دیگر (B) به حالت محو شده باقی‌مانده است. علی‌رغم کوششی که برای محو این نقوش شده، در متن آن، بقایای نیم‌تنه ایزد به جای مانده که به سختی می‌توان شمایل آن را بازشناخت. از آنجائی که جزئیات این نیم‌تنه از حیث شمایل، نوع تاج، کمربند، پوشاک، حلقه روبان‌دار و حتی ظاهر و حرکت شبیه سرستون نویافته شماره ۲ می‌باشد، لذا این تشابهات و یکسانی‌ها تردیدی باقی نمی‌گذارد که تصویر ایزد حجاری شده بر روی سرستون مورد بحث (شماره ۶) کسی جزء ایزد بهرام نیست.



تصویر ۲- نیم‌تنه ایزد بهرام در سرستون نویافته شماره ۲

سرستون شماره ۳

نیم‌تنه ایزد حجاری شده بر روی این سرستون نیز با صورتی سه ربعی و بدنی تمام‌رخ نقش شده که متأسفانه جزئیات صورت او به دلیل آسیب‌دیدگی مشخص نیست (تصویر ۳). وی گردنبندی بر گردن دارد که شامل دو ردیف مهره‌های مدور با پلاکی در جلو سینه می‌باشد که سه مهره درشت به آن آویزان است. این شخص کلاه‌خودی زنجیرباف بر سر دارد که تمام سر و گردن او را پوشانده و تنها قرص صورت او مشخص است. بر بالای این کلاه‌خود تاجی قرار دارد که پایه آن با نواری تزئین شده است. نوار مذکور شامل دو ردیف دانه‌های مدور است که در پشت سر با پایونی به هم متصل شده و روبانی به آن آویزان شده است. موهای سر او به صورت انبوه و بدون پوشش در بالای تاج رها شده که در قسمت پایین با یک پایون و دو رشته روبان افراشته بسته شده است. همچنین بر روی شانه‌هایش دو گوی مدور قرار دارد و بر گرد سرش هاله‌ای دیده می‌شود.



این شخص پیراهن چین دار مروارید دوزی شده ای بر تن دارد که بر روی آن شل جلوبازی پوشیده است. وی کمربندی به دور کمر بسته که در قسمت جلو روبانی به آن آویزان است. او دست چپ را بر روی سینه گذاشته و انگشت‌های شصت و اشاره را بر روی هم قرار داده است. دست راست را به طرف نیم‌تنه خسرو دوم دراز کرده که احتمالاً حلقه روبان‌داری در دست داشته ولی به علت آسیب‌دیدگی از بین رفته است.

در مورد هویت این نیم‌تنه، برخی از باستان‌شناسان چون لوشای و هرتسفلد آن را الهه آناهیتا معرفی کرده‌اند.^{۱۸} به نظر می‌رسد تفسیر اشتباه آنها در مورد این نیم‌تنه ناشی از دقت نکردن در جزئیات تصویر باشد که برای رفع این ابهام‌ها بایستی جزئیات را از نزدیک بررسی و آنها را با موارد مشابه مقایسه کرد؛ یکی از عواملی که می‌توان به کمک آن، هویت این نیم‌تنه را مشخص کرد فرم کلاه‌خود و تاج آن است. کلاه‌خود و تاج این ایزد بدون هیچ تفاوتی شبیه کلاه‌خود و تاج ایزد بهرام در سرستون نویافته شماره ۱ است. همچنین شباهت این نیم‌تنه با ایزد بهرام در سرستون شماره ۱ به لحاظ نوع لباس رزم، کمر بند و زره، کلاه‌خود، حلقه روبان‌دار و به‌ویژه وجود دو گوی در بالای شانه که ایزدان دیگر فاقد چنین گوی می‌باشند از جمله استدلال‌های دیگری است که نشان می‌دهد نیم‌تنه نقش شده بر روی این سرستون متعلق به ایزد بهرام است.



تصویر ۳- نیم‌تنه ایزد بهرام در سرستون شماره ۳

سرستون شماره ۴

بر روی این سرستون نیم‌تنه زنی با صورتی سه‌ربعی و بدنی تمام‌رخ نقش شده که متأسفانه جزئیات صورت او به دلیل آسیب‌دیدگی مشخص نیست (تصویر ۴). موهای سر او بافته شده است که بخشی از آن به صورت انبوه بر روی شانه‌ها قرار دارد و بخش دیگر به صورت گیسوی



بافته شده در دو طرف صورتش آویزان است، این شخص گردنبندی بر گردن دارد که شامل دو ردیف دانه‌های مدور با پلاکی در جلوی سینه که سه دانه مروارید درشت به آن آویزان است.

تاج او از نوع تاج‌های کنگره‌دار است که پایه آن به‌وسیله نواری با دو ردیف دانه‌های مرواریدی تزئین شده است. این نوار با پایبونی در پشت سر بسته شده و روبان بلندی به آن آویزان است. در بالای تاج، موهای سر او به‌صورت انبوه ولی بدون پوشش رها شده که قسمت پایین این موها با روبانی بسته شده است. بر گرد سر او نیز هاله‌ای دیده می‌شود.

این شخص پیراهن چین‌دار چسبانی بر تن دارد و روی آن، شل جلوباز بلندی پوشیده که حاشیه آن به‌وسیله نواری با سه ردیف دانه‌های مروارید تزئین شده است؛ همچنین بر روی این شل، گل‌های رزی نقش شده است؛ به‌طوری‌که دو تای این گل‌ها بر روی شانه‌ها دیده می‌شود. در حاشیه این نیم‌تنه، پیچک تاکی نقش شده که برگ‌های آن با دم‌برگ‌هایی به هم وصل شده است.

این شخص دست چپ را بر روی سینه گذاشته و انگشت‌های شصت و اشاره را بر روی هم قرار داده است. در دست راست او نیز حلقه روبان‌داری دیده می‌شود که به طرف نیم‌تنه شاه دراز کرده است. این نیم‌تنه متعلق به الهه آناهیتا است^{۱۹}، زیرا از هر حیث شبیه الهه آناهیتا در ایوان بزرگ طاق‌بستان است که در ذیل به برخی از این شباهت‌ها اشاره خواهیم کرد.

در هر دو نقش بخشی از موهای سر به‌صورت انبوه بر روی شانه‌ها آویزان است و بخش دیگری نیز به‌صورت گیسوی بافته شده در دو طرف صورت آویزان می‌باشد. از نظر فرم تاج نیز اگرچه تاج این نیم‌تنه آسیب دیده ولی اجزاء باقی‌مانده نشان می‌دهد که تاج آن شبیه تاج آناهیتا در ایوان بزرگ است. زیرا در هر دو نمونه پایه تاج با دو ردیف دانه‌های مرواریدی تزئین شده است. همچنین در بالای تاج، موهای سر به‌صورت انبوه ولی بدون پوشش رها شده که قسمت پایین آن با روبانی بسته شده است. در پشت تاج نیز دو رشته روبان افراشته است.

از لحاظ جواهرات نیز هر دو پیکره دارای گردنبند مشابهی هستند. همچنین فرم لباس آنها نیز شبیه به هم است. به‌طوری‌که در هر دو نمونه روی پیراهن، شل جلوبازی پوشیده‌اند که حاشیه شل به‌وسیله نواری با دو ردیف دانه‌های مروارید تزئین شده است. همچنین روی هر دو



شنل گل‌های رزی نقش شده است. با توجه به دلایل یاد شده در بالا، نیم‌تنه حجاری شده روی این سرستون به الهه آناهیتا تعلق دارد.



تصویر ۴- نیم‌تنه الهه آناهیتا در سطح B سرستون شماره ۴



سرستون شماره ۵

در سطح این سرستون نیز نیم‌تنه‌ای با صورت و بدنی تمام‌رخ نقش شده که متأسفانه جزئیات صورت او از بین رفته است (تصویر ۵). موهای سرش مجعد و به‌صورت انبوه بر روی شانه‌هایش آویزان است. این شخص گوشواره‌ای بر گوش و گردنبندی بر گردن دارد. گوشواره او به‌شکل حلقه مدوری است که گوی کوچکی به آن آویزان است. گردنبند او نیز شامل دو ردیف دانه‌های مدور با پلاکی در جلوی سینه است که سه دانه مروارید درشت به آن آویزان است. تاج این شخص آسیب دیده و جزئیات آن کاملاً مشخص نیست ولی براساس شواهد برجای مانده تاج او از نوع تاج‌های کنگره‌دار است که پایه تاج به‌وسیله نواری با دو ردیف دانه‌های مرواریدی تزئین شده است. موهای سر او در بالای تاج به‌صورت انبوه ولی بدون پوشش رها شده است که پایین آن به‌وسیله روبان کوچکی بسته شده و روبان بلندی نیز به آن آویزان است.



تصویر ۵- نیم تنه اهورامزدا در سطح B سرستون شماره ۵



سرستون شماره ۶

این شخص پیراهن چسبان مرواریددوزی شده‌ای بر تن دارد و روی آن شنلی به حالت بادخورده پوشیده که بازوان او را می‌پوشاند. جلوی این شنل باز بوده و با دکمه‌ای جواهرنشان بسته شده است. او کمربندی بر کمر بسته و روبانی در قسمت جلو به کمربند آن آویزان است.

این شخص دست چپ را روی سینه گذاشته و انگشت‌های شصت و اشاره را روی هم قرار داده است. در دست راست حلقه روبان‌داری دیده می‌شود که آن را به طرف خسرو دوم دراز کرده است. باستان‌شناسانی چون «هرتسفلد» و «بیر» ایزد نقش شده روی این سرستون را به الهه آناهیتا نسبت داده‌اند.^{۲۰} ولی برای این انتساب هیچ دلیلی ارائه نکرده‌اند. اگرچه به علت تخریب جزئیات صورت به راحتی نمی‌توان درباره هویت آن اظهارنظر کرد ولی مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد این نیم‌تنه لزوماً با الهه آناهیتا ارتباط ندارد.

همان‌طوری که می‌دانیم ایزدان نقش شده بر روی سرستون‌های مورد بحث از نظر شمایل، نوع تاج و پوشاک شبیه ایزدان نقش شده در ایوان بزرگ طاق‌بستان هستند. لذا این تشابهات کمک می‌کند تا هویت نیم‌تنه ایزد نقش شده بر روی سرستون شماره ۵ را مشخص کرد. از آنجائی که ایزد نقش شده بر روی سرستون مورد بحث دارای کمربند است؛ بنابراین ایزد مذکور بایستی ایزد مرد باشد زیرا در این نقش برجسته‌ها، تنها ایزدان مرد دارای کمربند هستند. از سویی نیز با توجه به اینکه نوع تاج، شنل و کمربند او کاملاً شبیه تاج و لباس اهورامزدا در ایوان بزرگ طاق‌بستان است، لذا پیشنهاد می‌شود که این پیکره نیز از آن اهورامزدا است.



تصویر ۶- نیم‌تنه ایزد بهرام در سطح B سرستون شماره ۶

پی‌نوشت‌ها

۱. لوشای «حفریات بیستون»، ص ۴۸ همچنین بنگرید به: Herzfeld, *AmTor von Asien*, p. 111, Lushey, "Die Sasanidischen Kapitell", p. 90, Abb 1a.
2. Lushey, "Zur Datierung der Sasanidischen Kapitelle Aus Bisutun und des Monuments von Taq-iBostan", p. 132-133.
۳. به‌دلیل گسترش شهر کرمانشاه، اکنون این روستا تبدیل به شهرکی به‌نام الهیه شده است.
۴. این روستا از توابع دهستان بیلوار می‌باشد که در ۶ کیلومتری مشرق شهر کامیاران واقع شده است.
5. Kleiss, "Die Sasanidischen Kapitelle Aus Venderni Bei Kamyaran Nordlich Kermanshah", p. 143-147.
6. Flandin et Coste, *Voyage en perse*, vol. 5.
۷. لوشای «حفریات بیستون»، ص ۵۹-۴۵.
8. Herzfeld, "Khusrau Parvez und der Taq-ivastan", p. 91-158, Idem, *AmTor Von Asien*, p. 112-132, *Iran in the Ancient East*, p. 329-331.
9. Erdmann, "Das Datum des Tak-iBustan", p. 79-97, Idem, "Die Kapitelle am Taq-iBustan", p. 1-24.
10. Lushey, "Zur Datierung der Sasanidischen Kapitelle Aus Bisutun und des Monuments VonTaq-iBostan", p. 129-142.
11. Kleiss, "Die Sasanidischen Kapitelle Aus Venderni Bei Kamyaran Nordlich Kermanshah", p. 143-147.
12. Bier, "Anahid: Iv, Anahita in Arts", p. 1010-1011.
13. Von Gall, "The Figural Capitals at Taq-eBostan and The Question Of The So-Called Investiture in Parthian and Sasanian Art", p. 99-100.
۱۴. پورداد، یشت‌ها، ج ۲، بهرام یشت، کرده یکم، بند ۱ و کرده ششم، بند ۱۷، ص ۱۲۰ و ۱۱۲.



۱۵. همان، کرده دهم، بند ۲۷، ص ۱۲۵.
 ۱۶. همان، کرده بیست و یکم، بند ۶۲، ص ۱۳۳-۱۳۲.
 ۱۷. مرادی، «نگاهی دیگر به یک سرستون ساسانی در عمارت چهلستون اصفهان»، ص ۴۴-۴۰.
 18. Lushey, "Die Sasanidischen Kapitell", p. 89, Herzfeld, *AmTor Von Asien*, p. 113, Taf. Lviii.
 19. Herzfeld, *AmTor Von Asien*, p. 112-113, Taf. Lvi.
 20. Herzfeld, *AmTor Von Asien*, Taf. Lviii, Bier, "Anahid: IV, Anahita in the Arts", p. 1010-1011.

منابع

- لوشای، هینز، «حفریات بیستون»، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره دوم، شماره ۱، فروردین ۱۳۴۴، ص ۵۹-۲۵.
 - مرادی، یوسف، «نگاهی دیگر به یک سرستون ساسانی در عمارت چهلستون اصفهان»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۳، ۱۳۸۱، ص ۴۴-۳۸.
 - Bier, Carol, "Anahid, Iv Anahita in the Arts", in Ehsan Yarshater (ed.), *Encyclopaedia Iranica*, 7 Vols (London, Rouledge and kegan paul, 1982-1996) 1/9, p. 1009-1011.
 - Erdmann, Kurt, "Das Datum des Tak-iBustan", *Ars Islamica*, 4 (1937), p. 79-97.
 - _____, "Die Kapitele am Taq-iBustan", *Mitteilungen der Deutschen Orient-Gesellschaft zu Berlin*, 80 (1943), p. 1-24.
 - Flandin, Eugene et Pascal Coste, *Voyage en Perse*, 6 Vol (Paris, Gide et Boudy, 1943-1845): 5.
 - Herzfeld, Ernst, *Iran in the Ancient East*, London, Oxford University Press, 1941.
 - _____, *AmTor Von Asien*, Berlin, Reimer, 1920.
 - _____, "Khusrau Parvez und der Taq-ivastan", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 9 (1938), p. 91-158.
 - Kleiss, Wolfram, "Die Sasanidischen Kapitele Aus Vendermi Bei Kamyaran Nordlich Kermanshah", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 1 (1968), p. 143-147.
 - Lushey, Heinz, "Zur Datierung der Sasanidischen Kapitele Aus Bistun und des Monuments Von Taq-iBostan", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 1 (1968), p. 129-142.
 - _____, "Die Sasanidischen Kapitele" in W. Kleiss and P. Calmeyer ed., *Bistun: Ausgrabungen und Forschungen in den Jahren 1963-1967*, Band VII, Berlin Gebr. Mann, 1996, p. 89-90.
 - Von Gall, Hubertus, "The Figural Capitals at Taq-e Bostan and the Question Of the So-Called Investiture in Parthian and Sasanian Art", *Silk Road Art and Archaeology* 1 (1990), p. 99-121.